

بینامتنیت کلام الهی در شعر معاصر فارسی زبانان غیرایرانی

سهیلا فرهنگی^۱

چکیده

قرآن مجید، این کتاب آسمانی، فرامتنی است که سایر متن‌ها خواسته یا ناخواسته از آموزه‌های آن به صورت مستقیم یا غیرمستقیم اثر پذیرفته‌اند. سهم اثرپذیری از کلام الهی بر زبان فارسی سهمی انکارناپذیر و مبارک است و این اثرپذیری در کلام ادیبان شیرین‌سخن فارسی برجسته‌تر و قابل تأمل‌تر از دیگران است. شعر فارسی با بهره‌گیری از مرواریدهای درخشان کلام الهی گنجینه‌های معرفت و حکمتی را فراهم کرده است که قرن‌هاست جاودانه و ماندگارند. این پژوهش بر آن است تا با بهره‌گیری از رویکرد بینامتنی و روش توصیفی-تحلیلی اثرپذیری شاعران کشورهای فارسی‌زبان را از قرآن در دهه‌های اخیر بررسی کند؛ از این رو تلاش می‌شود با مطالعه اشعار شاعران برجسته معاصر افغانستان، تاجیکستان و ازبکستان گونه‌های اثرپذیری آنان از قرآن معرفی شود. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که بینامتنیت آثار این شاعران با قرآن بیشتر از نوع ضمنی است و به شکل‌های مختلف از جمله واژگانی، تلمیحی و الهامی تجلی یافته است. گروهی از این شاعران نیز به اثرپذیری از ساختار سوره‌های قرآنی توجه داشته‌اند. همچنین این پژوهش بیانگر آن است که قرآن به صورت غیرمستقیم در شعر بیشتر شاعران فارسی‌زبان معاصر حضور دارد؛ اما آنان بیش از محتوا، به اصطلاحات و زبان قرآن توجه دارند و بیش از همه به قصه‌های قرآن علاقه نشان می‌دهند.

کلیدواژه‌ها: قرآن، شعر معاصر، زبان فارسی، تاجیکستان، افغانستان، ازبکستان.

مقدمه

بینامتنیت^۲ مبتنی بر این اندیشه است که متن نظامی بسته، مستقل و خودبسنده نیست، بلکه پیوندی دوسویه و تنگاتنگ با سایر متون دارد (مکاریک، ۱۳۸۴: ۷۲). بر اساس نظریه بینامتنیت هر متنی بر پایه متن‌های پیشین خود شکل می‌گیرد. هیچ متنی نیست که کاملاً مستقل تولید یا حتی دریافت شود. بنابراین در تولید و دریافت یک متن همواره پیش‌متن‌ها نقشی اساسی ایفا می‌کنند. به بیان دیگر بدون روابط بینامتنی هیچ متنی خلق نمی‌شود (نامور مطلق؛ کنگرانی، ۱۳۸۸: ۷۹). باختین بر این باور بود که هر سخن با سخن‌های پیشین - که موضوع مشترکی داشته باشد- و با سخن‌های آینده - که به یک معنا پیشگویی و واکنش به آن‌هاست- گفت‌وگو می‌کند (احمدی، ۱۳۷۰: ۹۳). هارولد بلوم نیز معتقد بود که شاعران با برگرفتن و سپس دگرگونی درون‌مایه‌های متون پیشین، این پندار را پدید می‌آورند که شعر آنان از پیشینیان متأثر نیست، درحالی که چنین نیست (Bloom, 1973: ۷۰). در واقع نگاه بلوم به بینامتنیت نگاهی روانشناختی است و آن را زاده اضطراب اثرپذیری می‌داند. اضطراب اثرپذیری «با برجسته ساختن رقابت در مقابل همکاری ادبی، رویکرد جدید و ستیزه‌جویانه‌تری را نسبت به بینامتنیت عرضه می‌کند. از نظر بلوم، تأثیر ادبی نشان‌دهنده تعامل مهربانانه اکنون و گذشته نیست، بلکه نشان‌گر نبرد اودیپی شاعران متأخر برای چیره گشتن بر متقدمان یا ایجاد تغییر در آن‌هاست» (مکاریک، ۱۳۸۴: ۳۸).

چگونگی ارتباط متون با هم یکی از مباحث مهم رویکرد بینامتنیت است. بینامتنیت درصدد است تا رابطه یک متن را با متن‌های پیشین و پسین و آثاری که هم‌زمان با آن متن پدید آمده‌اند، بررسی کند. در میان آثار مکتوب، متن‌هایی وجود دارند که بیش از متن‌های دیگر خواننده می‌شوند و به علت گستردگی و تنوع مخاطبان، سطوح

گونگونی از خوانش را در ارتباط با خود شکل می‌دهند. این نوع از متون، خودآگاه یا ناخودآگاه در متن‌های دیگر نفوذ می‌کنند و بر آن‌ها اثر می‌گذارند. به این‌گونه آثار فرامتن می‌گویند که قرآن کریم در آثار ادب فارسی چنین نقشی دارد.

از سوی دیگر شعر شاعران محل انعکاس اندیشه‌ها، باورها، نگرش‌ها و دانش آنان و محل بازتاب فرهنگ عمومی عصری است که در آن فرهنگ رشد کرده و بالیده‌اند. قرآن مهم‌ترین کتابی است که در شکل‌دهی فرهنگ فارسی‌زبانان نقش داشته و باورها و رفتارهای آنان را به صورت آشکار یا پنهان تحت تأثیر قرار داده است، به طوری که می‌توان گفت «شعرا و نویسندگان فارسی‌زبان پس از قرن دوم هجری تحت تأثیر کلام الهی و سخنان معصومین علیهم‌السلام تحول عظیمی در عرصه نظم و نثر ایجاد کردند» (موسوی؛ ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۹).

این تحقیق بر آن است تا چگونگی حضور قرآن در شعر شاعران مشهور معاصر فارسی‌زبان غیرایرانی را بررسی کند؛ انواع اثرگذاری این فرامتن را بر شعر آنان مورد مطالعه قرار دهد؛ زمینه‌ها و عوامل این اثرگذاری را بیان کند و نمونه‌های ناب اثرپذیری از قرآن را در شعر این شاعران گردآوری و طبقه‌بندی کند.

قلمرو این پژوهش نمونه‌هایی از شعر شاعران معاصر فارسی‌زبان غیرایرانی است که از شهرت بیشتری در کشورهای خود برخوردارند. از آنجا که دسترسی به آثار بعضی از این شاعران ممکن نبود، این پژوهش بیشتر مبتنی بر نمونه‌های کتاب باغ بسیار درخت است که شامل گزیده شعر معاصر فارسی افغانستان، تاجیکستان و ازبکستان است. این کتاب به مناسبت نخستین همایش چشم‌انداز شعر معاصر فارسی منتشر شده است. شهرت شاعری و حضور مؤثر در جریان‌های شعری مهم‌ترین معیار گزینش شاعران در این مجموعه بوده است. گزینش شعر

با رویکرد بینامتنیت - که زمینه‌ها و عوامل اثرپذیری در آن تبیین گردد و گونه‌های اثرپذیری در آن ردیابی شود - تاکنون منتشر نشده است.

مروری بر شعر معاصر افغانستان، تاجیکستان و ازبکستان

شعر معاصر افغانستان به سبب مصائب و مشکلاتی که مردم این کشور در سال‌های اخیر داشته‌اند، سرشار از درد و رنج است. عبدالقیوم قویم، شاعر و پژوهشگر افغانی ارائه تصاویر زیبا، انتخاب ترکیب‌های نو، کم شدن پیچیدگی‌های شعر و حرکت به سمت ساده‌نویسی، توجه به مضامین وطن‌دوستی و مردم‌دوستی، موضع‌گیری‌های سیاسی و اجتماعی و کم‌توجهی به مضامین شخصی مثل عشق را از ویژگی‌های بارز شعر امروز افغانستان می‌داند (قویم، ۱۳۸۹). محمد عاقل بیرنگ کوهدامنی، جلیل شبگیر پولادین، حمیرا نکهت دستگیرزاده، سید ابوطالب مظفری، زهرا حسین‌زاده، خالده فروغ، محمد رفیع جنید، سید ضیاء قاسمی، پرویز آرزو و حفیظ الله شریعتی از شاعران معاصر افغانستان به شمار می‌روند.

تاجیکستان با مردمانی مسلمان و با فرهنگ و زبانی ایرانی، از کشورهایی است که خود یکی از خاستگاه‌های شعر دینی و مذهبی در گذشته دور بوده است. به نظر قزوه یکی از مشکلات پیش روی ادبیات و شعر و حتی زبان و فرهنگ مردم تاجیکستان و حتی تمام ماوراءالنهر (آسیای مرکزی کنونی) نفوذ فرهنگ روس‌زبانان در آن بوده است. این نفوذ در طی هشتاد سال سلطه کمونیسم بسیاری از اعتقادات دینی را در میان مردم به ضعف کشاند و فرهنگ سلطه، مردم این سرزمین را از دین و ارزش‌های دینی و اخلاقی تا حد زیادی دور نگاه داشت. با این همه، چه در روزگار سلطه فرهنگ تحمیلی روسیه و چه پس از استقلال و خودشناسی مجدد این مردم، ستایش خدا،

افغانستان را سید فضل‌الله قدسی، گزینش شعر تاجیکستان را علیرضا قزوه و رحیم مسلمانیان قبادیانی و گزینش شعر ازبکستان را ابراهیم خدایار برعهده داشته‌اند. پرسش‌های این پژوهش عبارت‌اند از:

۱. زمینه‌ها و عوامل گرایش شاعران معاصر غیرایرانی به قرآن چیست؟
 ۲. اثرپذیری شاعران معاصر غیرایرانی از قرآن چه گونه‌هایی دارد؟
- روش این پژوهش توصیفی - تحلیلی با رویکرد بینامتنی است. این بررسی می‌تواند چگونگی ارتباط شعر معاصر غیرایرانی را با فرامتنی چون قرآن تبیین کند و با توجه به تغییر شرایط دوران معاصر، به تفاوت اثرپذیری شعر معاصر با اثرپذیری شعر گذشته فارسی بپردازد و چگونگی نفوذ قرآن را در ذهن و زبان شاعران معاصر در خارج از مرزهای ایران نشان دهد.

پیشینه تحقیق

تفکر ارجاعات بینامتنی در مطالعات نقد ادبی ما پیشینه فراوانی دارد. اصطلاحاتی همچون «تلمیح، انتحال، شأن نزول، اسباب نزول، شیوه روایت تودرتو یا متن در متن و نقش احادیث، اخبار، روایات، نصرانیات و اسرائیلیات در تفسیر قرآن» (ساسانی، ۱۳۸۳: ۱۷۳) نشان از توجه به روابط بینامتنی در تفکر گذشته ماست. درباره تأثیر قرآن در ادبیات معاصر فارسی آثاری منتشر شده است، از جمله پایان‌نامه‌های جلوه آیات و احادیث در شعر شاعران دوران انقلاب (ریاحی، ۱۳۷۹)، بررسی تلمیحات در شعر پنج شاعر معاصر (محمودی، ۱۳۸۳) و کتاب‌های تجلی قرآن کریم در شعر معاصر (ذبیحی، ۱۳۹۰) و تجلی قرآن کریم در اشعار شاعران دفاع مقدس (آیین، ۱۳۹۰) که اغلب آن‌ها گردآوری نمونه‌ها و طبقه‌بندی شعر فارسی بر اساس انواع اثرپذیری سنتی آثار ادبی از قرآن است. اما درباره اثرپذیری شعر معاصر فارسی غیرایرانی، پژوهشی

زمينه‌ها و عوامل گرايش شاعران معاصر غيرايراني به قرآن

شعر، متنی است که شاعر با آن هویت، باورها و افکار خود را به نمایش می‌گذارد. شعر را مانند هر متن دیگری می‌توان «بافته‌ای از نقل قول‌های برگرفته از مراکز بی‌شمار فرهنگ» (آلن، ۱۳۸۰: ۱۰۹) دانست. هر متنی می‌تواند از نوع تفکر، ایدئولوژی و واقعیت‌های خارجی دوران خود تأثیر بگیرد. علاوه بر این اثرپذیری هم‌زمانی، متون اثرپذیری در زمانی نیز می‌پذیرند، یعنی از متون کهن و قبل از خود نیز الهام می‌گیرند (Neil, 1987: 23). بنابراین دلالت یک متن همواره متأثر از متون دیگر و در تناسب با آن‌ها شکل می‌گیرد و در هر گفتار و متنی هر چند منحصر به فرد و غیرقابل بازآفرینی، همواره گفتارها و متن‌های دیگر حضور دارند (خسروی‌شکيب و همکاران، ۱۳۹۱: ۶۷). پس می‌توان گفت شعر همچون دیگر متن‌ها از یک سو در مواجهه با متون دیگر است و از سوی دیگر از بافت و زمینه اجتماعی و فرهنگی دوران خود اثر می‌پذیرد. شعر معاصر فارسی‌زبانان غیرايراني نیز از این قاعده مستثنی نیست. این شاعران نیز تحت تأثیر دیگر متون از قبیل متون مقدس و در مواجهه با گفتمان‌های دینی و فرهنگی دوران خود قرار داشته‌اند. بررسی‌ها نشان می‌دهد که این عوامل در گرایش شاعران معاصر غیرايراني به قرآن و ایجاد مناسبات بینامتنی و بیناگفتامنی اثرگذار بوده‌اند:

الف. گره‌خوردگی زندگی اجتماعی مردم مناطق فارسی‌زبان با معارف و مفاهیم دینی و مذهبی از عوامل مهم شکل‌گیری روابط بینامتنی متون دینی و ادبیات از جمله شعر است. بسیاری از مردم کشورهای افغانستان، تاجیکستان و ازبکستان مسلمان هستند، بنابراین بدیهی است که با مفاهیم و معارف دینی و قرآنی آشنا باشند و

نعت رسول‌الله(ص) و دیگر مضامین دینی را در شعر شاعران این سرزمین می‌توان مشاهده کرد. به‌خصوص تأثیر معنوی ادبیات ایران و افغانستان بر شعر و ادب تاجیکستان در سال‌های اخیر بسیار سازنده بوده است (قزوه، ۱۳۸۴). مستان شیرعلی، عبدالله قادری، بازار صابر، لایق شیرعلی، دارا نجات، کمال نصرالله، محمدعلی عجمی، سلیم ختلانی، رستم وهاب‌نیا، صیاد غفار، فرزانه خجندی و عبدالله حکیم از شاعران مشهور تاجیکستان در دوره معاصر محسوب می‌شوند.

ادبیات معاصر فارسی تاجیکی ماوراءالنهر در ازبکستان نیز در شاخه شعر، در قالب‌های سنتی و نو دارای نمونه‌های ارزنده‌ای است. این میراث در قالب‌های غزل، دوبیتی، دوبیتی نو، رباعی، مخمس، و به‌ندرت در قالب‌های مثنوی و قصیده دیده می‌شود. بازیابی و بازخوانی هویت ملی در آیین زبان مادری، خویش‌شناسی و دعوت به بیداری ملی، پژواک زخم‌های ملت در تاریخ گذشته آن به‌ویژه در یک صد سال اخیر، افتخار به میراث غنی و شکوهمند نیاکان، یادکرد مفهوم وطن با تأکید بر ادوار فرهنگی و اقلیمی و ذکر ارزش‌های آن در حفظ هویت زبانی و ملی مردمان ماوراءالنهر به‌ویژه مناطق باستانی سمرقند، بخارا، فرغانه و ترمذ، ثبت لحظه‌های عاشقانه و عارفانه و بازگشت به سنت‌های دینی و مذهبی و نگاه اسطوره‌گرایانه به قهرمانان شاهنامه فردوسی از عمده‌ترین بن‌مایه‌های شعر معاصر فارسی تاجیکی ماوراءالنهر در جمهوری ازبکستان است (خدایار، ۱۳۸۳). از شاعران معروف معاصر ازبکستان می‌توان قاری مسیحا تمهید سمرقندی، حبیب یوسفی، اکبر پیروزی، پیرو سلیمانی، حیات نعمت سمرقندی، حضرت صباحی، ظفر صوفی فرقانی، جعفر محمد ترمذی و شادی کریم را نام برد.

رد پای گفتمان دینی در شعر آنان دیده شود.

ب. روابط بیناگتمانی فرهنگ ایران بعد از انقلاب با فرهنگ کشورهای فارسی‌زبان سبب گسترش گفتمان‌های نزدیک و همسو با یکدیگر شده است. البته باید توجه داشت که از نظر بعضی محققان «شرط لازم برای تحقق روابط بیناگتمانی، روابط بینامتنی است» (نامورمطلق؛ کنگرانی، ۱۳۸۸: ۸۳). چراکه بینامتنیت در یک محور عرضی و بیشتر به شکل بیانی همچون تصویرسازی‌ها و اسطوره و صورت بندی می‌شود، اما بیناگتمانی در رابطه طولی سبب شکل‌گیری مسائلی همچون ایدئولوژی و شاکله اجتماعی گفتمان می‌شود. با تلفیق این دو محور است که محتوا و شکل بیان گفتمان ظاهر می‌شود (Cros, 2003: 58).

ج. تحولات سیاسی سه دهه اخیر در این مناطق، به‌ویژه فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و رهایی از سلطه کمونیسم، ارتباط مردم این کشورها را با مردم ایران بیشتر و نزدیک‌تر کرده است و این عامل خود سبب نزدیکی زبان‌ها، باورها و علائق به یکدیگر شده است.

د. انتشار ترجمه‌های گوناگون به‌ویژه ترجمه‌های ادبی از متن قرآن باعث شناخت عمیق‌تر مردم این کشورها از کلام الهی شده است.

هـ ساخت و نمایش فیلم‌ها و سریال‌هایی با مفاهیم معنوی و دینی در سال‌های اخیر بر عمق آگاهی‌های معنوی مردم این کشورها افزوده است. همچنین پخش و نمایش فیلم‌های معناگرای ایرانی در سینماها و تلویزیون این کشورها ارتباطات بینا فرهنگی این مناطق را بیشتر کرده است.

و. گسترش تدریس ادبیات فارسی در این کشورها و مطالعه دیوان شاعران بزرگی همچون مولانا، حافظ و سعدی که با قرآن مانوس بوده‌اند، از دیگر عوامل اثرپذیری از مفاهیم قرآنی در شعر این شاعران محسوب می‌شود.

بینامتنیت ضمنی در شعر فارسی معاصر غیرایرانی

ژنت، بینامتنیت را به سه دسته تقسیم می‌کند: صریح، غیرصریح و ضمنی. بینامتنیت صریح بیانگر حضور آشکار یک متن در متن دیگر است. در بینامتنیت صریح مؤلف متن دوم در نظر ندارد مرجع متن خود یعنی متن اول را پنهان کند. به همین دلیل به نوعی می‌توان حضور متن دیگری را در آن مشاهده کرد. از این منظر نقل قول‌های مستقیم گونه‌ای بینامتنی صریح محسوب می‌شود. بینامتنیت غیرصریح بیانگر حضور پنهان یک متن در متن دیگر است در بینامتنیت غیرصریح مؤلف می‌کوشد تا مرجع بینامتن خود را پنهان کند و این پنهان‌کاری به دلیل ضرورت‌های ادبی نیست، بلکه دلایلی فراوانی دارد. سرقت ادبی یکی از مهم‌ترین انواع بینامتنیت غیرصریح تلقی می‌شود (نامورمطلق، ۱۳۸۶: ۸۸). گاهی نیز مؤلف متن دوم قصد پنهان‌کاری بینامتن خود را ندارد و به همین دلیل نشانه‌هایی را به کار می‌برد که با این نشانه‌ها می‌توان بینامتن را تشخیص داد و حتی مرجع آن را نیز شناخت. اما این عمل هیچ‌گاه به صورت صریح انجام نمی‌گیرد و به دلایلی و بیشتر به دلایل ادبی به اشارات ضمنی بسنده می‌شود. بینامتنیت ضمنی نه همانند بینامتنیت صریح مرجع خود را اعلام می‌کند و نه همانند بینامتنیت غیرصریح سعی در پنهان‌کاری دارد. به همین دلیل در این نوع بینامتنیت عده خاصی یعنی مخاطبان خاصی که نسبت به متن اول یعنی متنی که مورد استفاده قرار گرفته است، آگاهی دارند، متوجه بینامتن می‌شوند. مهم‌ترین شکل‌های این نوع بینامتن کنایات، اشارات، تلمیحات و... است (همان، ۸۹). در ادامه به انواع بینامتنیت ضمنی در شعر فارسی غیرایرانی می‌پردازیم. البته ممکن است در بعضی نمونه‌ها چند نوع ارتباط بینامتنی وجود داشته باشد که در این تقسیم‌بندی، نوع غالب‌تر آن در نظر گرفته شده است. در ضمن ارجاع به شعر شاعران براساس نام شاعر و صفحه شعر در کتاب

باغ بسیار درخت آمده است.

یتیم بی پدر را دوزخ عصیان ابلیسی

شهادت بی کفن را محشر کبراستی میهن

(جلیل شبگیر پولادین: ۲۶۸)

به کارگیری واژه‌های آیه، نور، یقین، رب، تفسیر، سجود، تأویل و یاسین در ابیات زیر نشانه حضور فرامتن قرآن در شعر این شاعران است:

ای تک‌درخت شرقی مغرب‌نشین بگو

از آیه‌های باور و نور و یقین بگو

(حمیرا نکهت دستگیرزاده: ۲۷۸)

آیه سبزه سرسبز زمین را بشنو

پیش‌تر زانکه شود دفتر او روگردان

(کمال نصرالله: ۳۵۸)

یارب! این بیت چه رازی است که افشا آمد

یا که تفسیر کدام آیه ربانی بود

(عبدالله حکیم: ۳۷۵)

سجودش موج می‌زند

در آینه امواج

من به امامت کوه اقتدا کردم

و کوه با لهجه آب آیه خواند.

تفکر آب

به شریان شاخه‌هایم دوید

نسیم تأویل آمد از فراسوها

تا به روشنی گل‌های یاسین

مرا غرق کند (نجات: ۳۴۹).

کلمه سوره در ابیات زیر نشانه حضور غیرمستقیم

قرآن در شعر این شاعران است:

گهواره‌ام به عشق تو حفظ است

با سوره حافظ (سلیم ختلانی: ۳۶۶).

یک صبح بی غبار چون شعر تازه‌ام

با سوره‌های شعر، خوانم جنازه‌ام

(صیاد غفار: ۳۶۸)

۱. اثرپذیری واژگانی

در این نوع اثرپذیری، شاعر واژگان و ترکیبات شعری‌اش را از متن دیگری وام می‌گیرد. راستگو این نوع اثرپذیری را به سه شیوه وام‌گیری، ترجمه و برآیندسازی تقسیم کرده است (راستگو، ۱۳۷۶: ۱۷-۱۶). به کار بردن عین واژه، ترجمه آن و یا ساخت ترکیباتی جدید از آن واژه را می‌توان در این نوع اثرپذیری از قرآن در شعر شاعران غیرایرانی فارسی‌زبان مشاهده کرد. برای نمونه شاعر افغانستانی در بیت زیر با به کار بردن واژه صلیب و مسیح و ساخت ترکیب «صلیب سرخ» و «مسیحای ثانی» نشان می‌دهد که با این داستان قرآنی آشنایی دارد:

در هر قدم به شانه کشم بار مرگ خود

با این صلیب سرخ، مسیحای ثانی‌ام

(محمد عاقل بیرنگ کوهدامنی: ۲۶۲)

یادآور آیه: «وَقَوْلِهِمْ إِنَّا قَتَلْنَا الْمَسِيحَ عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ رَسُولَ اللَّهِ وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَّبُوهُ وَلَكِنَّ شُبُهَةَ لَهُمْ...» (نساء/ ۱۵۷).

همچنین با کاربرد ترکیب «گرز آتشین» همراه با «دیوار دوزخ» در بیت زیر آیه «وَلَهُمْ مَقَامِعٌ مِّنْ حَدِيدٍ» (حج/ ۲۱) را به یاد می‌آورد:

مرگ و دیوار دوزخ و آن گرز آتشین

صد بار بهتر است از این زندگانی‌ام

(محمد عاقل بیرنگ کوهدامنی: ۲۶۳)

در بیت زیر ترکیب «دوزخ عصیان ابلیس» یادآور آیه «يَا أَبَتِ لَا تَعْبُدِ الشَّيْطَانَ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلرَّحْمَنِ عَصِيًّا» (مریم/ ۴۴) است و ترکیب «محشر کبرا» نیز تعبیری دیگر از «طامه الکبری» در آیه «فَإِذَا جَاءَتِ الطَّامَةُ الْكُبْرَى» (نازعات/ ۳۴) است:

روزی مرا به روی کفت گیر و سوره خوان

تا از صدف برآیم و لؤلؤی جان شوم

(فخجندی: ۳۷۲)

ترکیب «نفخ نور» نیز در بیت زیر برگرفته از آیات

قرآنی است:

نمایاند به مردم تا که رنگی از قیامت را

خدا پاشید یک آینه نفخ نور در چشمت

(فرزانه قاسمی: ۳۱۲)

یادآور آیات: «وَنُفِخَ فِي الصُّورِ ذَلِكَ يَوْمَ الْوَعْدِ»

(ق/۲۰) و «فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ

سَاجِدِينَ» (حجر/ ۷۲-۲۹).

«روضه دارالسلام» در بیت زیر یادآور آیه قرآن است:

باغ بهشت و روضه دارالسلام آن

یک جلوه است از تو و آل عبا، علی

(سیدضیاء قادری: ۳۳۷)

یادآور آیه: «لَهُمْ دَارُ السَّلَامِ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَهُوَ وَلِيُّهُمْ بِمَا

كَانُوا يَعْمَلُونَ» (انعام/ ۱۲۷).

«تهلکه» نیز واژه‌ای قرآنی است که شاعر با آن ترکیب

«تهلکه بیم و بلا» را ساخته است:

مانده در تهلکه بیم و بلا

می رود دیه به دیه، شهر به شهر

(عبدالله شیرعلی: ۳۴۵)

برگرفته از آیه: «... وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ ...»

(بقره/ ۱۹۵).

«توحید» نیز از واژه‌های قرآنی است که در شعر زیر

به چشم می خورد:

سپیده توحید

به انبوه برگهایم تور تنید (لایق نجات: ۳۴۸).

در شعر زیر نیز شاعر ترکیب «بال‌های سبز ملائک»

را از آیه قرآنی برگرفته است. بهشت گمشده نیز تلمیحی

به خروج آدم از بهشت است:

رقص شکوفه‌ها

با بال‌های سبز ملائک

اینجا بهشت گمشده‌ام فالی است (ختلانی: ۳۶۵).

یادآور آیه: «الْحَمْدُ لِلَّهِ فَاطِرِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ جَاعِلِ

الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا أُولَىٰ أَجْنِحَةٍ مِّثْنَىٰ وَثَلَاثَ وَرُبَاعًا ...» (فاطر/

۱).

در بیت زیر ترکیب «سوره دست کلیمت» ترکیبی

است که از آیات قرآنی ساخته شده است. علاوه بر این،

کلمه «قرآن» و تلمیح «بسم الله» نیز در این بیت به چشم

می خورد:

اگر از سوره دست کلیمت بی خبر بودم

به قرآنت که بسم ا... را از یاد می بردم

(محمدعلی عجمی: ۳۶۱)

یادآور آیات: «وَنَزَعَ يَدَهُ فَإِذَا هِيَ بِيضَاءُ لِلنَّاظِرِينَ»

(اعراف/ ۱۰۸)، «... وَكَلَّمَ اللَّهُ مُوسَى تَكْلِيمًا ...» (نساء/

۱۶۴)، «ق وَالْقُرْآنِ الْمَجِيدِ» (ق/ ۱) و «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ

الرَّحِيمِ».

۲. اثرپذیری تلمیحی

در این نوع اثرپذیری - که نمونه‌های زیادی در شعر

شاعران افغانستانی، تاجیکستانی و ازبکستانی دارد- شاعر

به آیه‌ای از قرآن یا ماجرای از داستان‌های قرآنی اشاره

می کند. مثلاً شاعر در ابیات زیر به ماجراهای مربوط به

حضرت موسی (ع) از جمله گوساله پرستی قوم او،

ماجرای حضور موسی (ع) در بیابان، همچنین عذابی که

بر قوم او نازل شد، پرداخته است:

این بیشه هفت سال پیاپی پدر ندید

گوساله‌های بت شده دید و پدر ندید

(سید ابوطالب مظفری: ۲۸۶)

یادآور آیه: «وَ اتَّخَذَ قَوْمُ مُوسَىٰ مِنْ بَعْدِهِ مِنْ خُلِيِّهِمْ

عِجْلًا جَسَدًا لَهُ خُورٌ ...» (اعراف/ ۱۴۸).

اینک نشستیم که تا نسل سامری

گوساله‌های شیری‌شان را بقر کنند

(سید ابوطالب مظفری: ۲۸۷)

یادآور آیه: «قَالُوا مَا أَخْلَفْنَا مَوْعِدَكَ بِمَلَكِنَا وَلَكِنَّا حُمَلْنَا
أَوْزَاراً مِنْ زِينَةِ الْقَوْمِ فَقَذَفْنَاهَا فَكَذَلِكَ أَلْقَى فَأَخْرَجَ لَهُمْ
عِجْلاً جَسَداً لَهُ خَوَارٌ فَقَالُوا هَذَا إِلَهُكُمْ وَإِلَهُ مُوسَى فَنَسِيَ»
(طه/ ۸۷ و ۸۸).

این اشعار نشان می‌دهد که شاعر از جزئیات این داستان قرآنی نیز آگاهی داشته است. بنا بر قصص اسلامی، وقتی موسی(ع) به کوه طور رفت، سامری مجسمه‌ای از زر گداخته به شکل گوساله ساخت و قدری از خاک نعل براق جبرئیل - که در روز غرق فرعون به دست آورده بود- در او دمید که جان گرفت. از آن پس چون در آن می‌دمیدند، صدای گاو بیرون می‌آمد. سامری به بنی اسرائیل گفت: این بت خدای شما و موسی است. بنی اسرائیل در نتیجهٔ چهل روز گوساله‌پرستی مغضوب حق شدند و مقرر شد که چهل سال در بیابان سرگردان بمانند (یاحقی، ۱۳۶۹: ۲۳۶).

در تیه مانده‌ایم و چهل سال شد تلف

چشم انتظار معجزه آب‌های کف

(سید ابوطالب مظفری: ۲۸۷)

یادآور آیه: «قَالَ فَإِنَّهَا مُحَرَّمَةٌ عَلَيْهِمْ أَرْبَعِينَ سَنَةً
يَتِيَهُونَ فِي الْأَرْضِ فَلَا تَأْسَ عَلَى الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ» (مانده/
(۲۶).

مردند تا به سفره‌شان نان بیاورند

توفان ندیده‌اند که ایمان بیاورند

(سید ابوطالب مظفری: ۲۸۸-۲۸۷)

یادآور آیه: «فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمُ الطُّوفَانَ وَالْجَرَادَ وَالْقُمَّلَ
وَ الصَّفَادِعَ وَ الدَّمَ مَفْضَلَاتٍ فَاسْتَكْبَرُوا وَ كَانُوا قَوْمًا
مُجْرِمِينَ» (اعراف/ ۱۳۳).

بیت زیر از رستم وهاب‌نیا نیز تلمیحی به داستان

قرآنی حضرت یونس(ع) است:

ای یونس زمانه! دوا در پیام توست

در کلام این نهنگ، زبان را نگاه دار

(رستم وهاب‌نیا: ۳۶۷)

یادآور آیه: «فَالْتَقَمَهُ الْحُوتُ وَ هُوَ مُلِيمٌ فَلَوْلَا أَنَّهُ كَانَ
مِنَ الْمُسَبِّحِينَ لَلَبِثَ فِي بَطْنِهِ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ» (صافات،
۱۴۴-۱۴۲).

شاعر در دوبیتی‌های زیر با اشارات شاعرانهٔ خود، آگاهی‌اش را از داستان‌های قرآنی حضرت مریم(ع) و آدم(ع) نشان می‌دهد:

مرا این تاج و تخت از جم رسیده

سخاوتمندی از حاتم رسیده

تنی پاکیزه از مریم رسیده

شریفم، نامم از آدم رسیده

(شادی کریم: ۳۸۸)

که پاکی مریم(ع) یادآور این آیه است: «وَ إِذْ قَالَتِ
الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَ طَهَّرَكِ وَ اصْطَفَاكِ عَلَى
نِسَاءِ الْعَالَمِينَ» (آل عمران/ ۴۲).

مرا از قصهٔ کنعان چه پرسی؟

هم از آن چاه و آن زندان چه پرسی؟

به فرمان دلم عمری و ناکام

از این ناکام و نافرمان چه پرسی؟

(شادی کریم، ۳۸۸)

کنعان در قرآن کریم بالصراحه جایگاه واژگانی ندارد، ولی غیرمستقیم در تفسیرهای قرآن، روایات و داستان‌های مربوط به حضرت یوسف(ع) از آن به عنوان اقامتگاه یعقوب نبی و یوسف پیامبر یاد شده است (ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۱۶۴). این اشعار یادآور داستان حضرت یوسف(ع) و زندانی شدن اوست و یادآور آیه: «قَالَ قَائِلٌ مِنْهُمْ لَا

۳. اثرپذیری الهامی

گاه شاعر از آیه‌ای از قرآن الهام می‌گیرد، مثلاً شاعر در بیت زیر پایه سخنش را آیات قرآنی قرار داده است:

کسی هرگز نمی‌فهمید مرگ آرزوها چیست

بین ای چرخ گردون! تا قیامت خفتن ما را

(پرویز آرزو: ۳۱۴)

یادآور آیه: «ثُمَّ إِنَّكُمْ بَعْدَ ذَلِكَ لَمَيُّونٌ ثُمَّ إِنَّكُمْ يَوْمَ

الْقِيَامَةِ تَبْعُونَ» (مؤمنون/ ۱۶ و ۱۵).

شعر زیر نیز الهام گرفته از آیات قرآنی است. البته این

شعر از نظر ساختاری نیز شبیه به آیات قرآنی است:

بین چه دهشتناک است

سایه سرد تو

به آفتاب اشاره کن

و سجده کن آتش را

که خدایی، مقرّبی را از خاک آفریده است

(حفیظ‌الله شریعتی: ۳۱۹-۳۱۸).

یادآور آیات: «وَ إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي خَالِقٌ بَشَرًا

مِنْ صَلْصَالٍ مِنْ حَمَإٍ مَسْنُونٍ فَسَجَدَ الْمَلَائِكَةُ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ

إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَى أَنْ يَكُونَ مَعَ السَّاجِدِينَ» (حجر/ ۲۸، ۳۰ و

۳۱).

دویتی زیر نیز براساس آیه‌ای قرآنی پی‌ریزی شده

است:

مرا از خاک آدم آفریدند

از او نی بیش و نی کم آفریدند

به عالم آمدم هر چند تنها

ز من یک عالم، عالم آفریدند

(مستان شیرعلی: ۳۳۵)

یادآور آیه: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ

نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَ خَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَ بَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَ

نِسَاءً...» (نساء/ ۱).

شعر زیر نیز الهام گرفته از آیه قرآن است:

تَقْتُلُوا يُوسُفَ وَ الْقَوْهَ فِي غِيَابَتِ الْجُبِّ يَلْتَقِطُهُ بَعْضُ السَّيَّارَةِ

إِنْ كُنْتُمْ فَاعِلِينَ» (یوسف/ ۱۰) و آیه: «قَالَ رَبِّ السَّجْنُ

أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا يَدْعُونَنِي إِلَيْهِ وَ إِلَّا تَصْرِفَ عَنِّي كَيْدَهُنَّ أَصْبُ

إِلَيْهِنَّ وَ أَكُنْ مِنَ الْجَاهِلِينَ» (یوسف/ ۳۳).

زهرا حسین‌زاده - که شاعری اهل افغانستان است -

در ابیات زیر به ماجرای غدیر و رسالت پیامبر اکرم (ص)

در معرفی امام علی (ع) اشاره می‌کند:

شکست خواب زمین، پلک آسمان وا شد

سوار هودج رنگین باد، پیدا شد

غبار همه‌مه پیچید و ناگهان در خاک

غدیر برق زد و برق، آب معنا شد

سکوت کرد بیابان فرشته چیزی گفت

دو چشم حضرت خورشید، رنگ دریا شد

اشاره کرد «بمانید با شما هستم»

نگاه ایل مسافر پر از معما شد

(زهرا حسین‌زاده: ۳۰۲)

یادآور آیه: «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ

وَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ...» (مائده/ ۶۷) و آیه: «الْيَوْمَ

يَبْسُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَ احْسِنُوا الْيَوْمَ

أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيتُ لَكُمْ

الْإِسْلَامَ دِينًا...» (مائده/ ۳).

در بیت زیر نیز شاعر تلمیحی به دمیدن صور و برپایی

قیامت دارد:

سلام‌های اسیر صدای نابم را

قیامتی است، به آزادگان صور ببر

(خالده فروغ: ۳۰۴)

صدای دوست ز صور ندا شنیدم و رفتم

دل از علائق نفس و هوا بریدم و رفتم

(تمهید سمرقندی: ۳۷۹)

یادآور آیه: «يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَتَأْتُونَ أَفْوَاجًا» (نبأ/

۱۸). البته نفخ صور در آیات متعدد دیگری نیز آمده است.

که ما هم چند در دنیا

گهی پیغمبری کردیم

برای خود پی افکندیم هیکلها و منبرها

و در حکم خدایی زندگی کردیم

(بازار صابر: ۳۴۳).

یادآور آیه: «اذْهَبْ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ» (طه / ۲۴).

این آیه امر بر فرمان رسالت است و خطاب به موسی می‌فرماید: به سوی فرعون برو که او ظلم و ستم را از حد گذرانده و از روش بندگی عدول کرده و ادعای خدایی کرده است.

«وَالصُّبْحِ إِذَا تَنَفَّسَ» (تکویر / ۱۸) آیه شریفه‌ای است

که شاعران زیادی از آن الهام گرفته‌اند. اشعار زیر نمونه‌هایی از اثرپذیری از این آیه شریفه را نشان می‌دهد:

از راز بامداد، دمیدن را... می بینم

(سلیم ختلانی: ۳۶۵).

ندیده روشنی روز عمر تا شب پیری

به دهر، صبح صفت یک نفس دمیدم و رفتم

(قاری مسیحا تمهید سمرقندی: ۳۷۹)

شاعر در شعر زیر نیز از قرآن و آیات آن الهام گرفته

است:

جهنم است تو گویی ملات هر خشتش

جهنمی که نشاید نمود با گفتار

ولی چنان که نوشتند و نیز محتمل است

جهنم است فقط جای شخص بدکردار

(محمد رفیع جنید: ۳۱۰-۳۰۹)

یادآور آیه: «وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَتَعَدَّ حُدُودَهُ

يُدْخِلْهُ نَارًا خَالِدًا فِيهَا وَلَهُ عَذَابٌ مُّهِينٌ» (نساء / ۱۴).

۴. اثرپذیری ساختاری

در این شیوه سخنور ساختاری قرآنی را چونان نمونه و

سرمشقی پیش چشم می‌گیرد و سخن خویش را در

ساخت و بافتی می‌پردازد که با آن همخوان و همسان باشد (راستگو، ۱۳۷۶: ۷۰)، مثلاً روساخت گسسته‌نما و بریده‌بریده و ژرف‌ساخت پیوسته و درهم‌تنیده قرآن کریم در نمونه زیر از شاعر افغانستانی به‌نوعی به چشم می‌خورد:

زمستان در چهار فصل مانده است

زمین با باطن سرد

در آغاز خلقت

مردگان که زندگانش می‌خوانند

سرشار از یلدای زمین

در شب میلاد آدم و حوا

که شاید مرده‌ای به پا خیزد

و به آهنگ دیگر بلند بخواند

حدیث آدم را

و شکوه آدمیان را (حفیظ‌الله شریعتی: ۳۱۷).

البته این نوع اثرپذیری در بین شاعران معاصر ایرانی

چون سپهری و فروغ فرخزاد هم نمونه‌هایی دارد. سپهری

در شعر «سوره تماشا» و فروغ در شعر «آیه‌های زمینی»

هم ساختار و هم نام شعرشان، نشانه این اثرپذیری است.

شعر زیر از حیات نعمت سمرقندی، شاعر ازبکستان، نیز

ساختاری شبیه ساختار قرآن دارد:

آفرید خداوند مرا

نه برای عمر

و نه برای وقت

بلکه عمر و وقت بداد

بر خدمت من

در عمر و وقت من

قسمت من...

تا هست این زمین

تا هست آسمان

عمر من در نام من

ماند جاودان (حیات نعمت سمرقندی: ۳۸۴-۳۸۳).

احمدی، بابک (۱۳۷۰). *ساختار و تأویل متن* (نشانه‌شناسی و ساختارگرایی). تهران: نشر مرکز.

خدایار، ابراهیم (۱۳۸۳). «از سمرقند چو قند». *هفته‌نامه فرهنگ و پژوهش*. شماره ۱۶۶.

خسروی‌شکیب، محمد؛ عزیزمحمّدی، فاطمه؛ قبادی، حسینعلی (تابستان ۱۳۹۱). «بینامتنیت دو متن: نقد تطبیقی داستان فریدون در شاهنامه و شاه‌لیبر شکسپیر». *فصلنامه پژوهش‌های زبان و ادبیات تطبیقی*. دوره سوم، شماره ۲ (پیاپی ۱۰)، صص ۸۴-۶۳.

ذبیحی، سیداحمد (۱۳۹۰). *تجلی قرآن کریم در شعر معاصر*. رشت: صفیر حق.

ذوالفقاری، محسن (زمستان ۱۳۹۲). «تحلیل شکل مبنا بر غزل حافظ با رویکرد قرآنی واژه یوسف». *فصلنامه پژوهش‌های ادبی-قرآنی*. سال اول، شماره ۴، صص ۱۷۳-۱۵۹.

راستگو، سیدمحمد (۱۳۷۶). *تجلی قرآن و حدیث در شعر فارسی*. تهران: سمت.

ریاحی، راضیه (۱۳۷۹). *جلوه آیات و احادیث در شعر شاعران دوران انقلاب*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی واحد دزفول.

سامانی، فرهاد (اردیبهشت ۱۳۸۳). «بینامتنیت: پیشینه و پسینه نقد بینامتنی». *مجله بیناب*. شماره ۵ و ۶، صص ۱۸۵-۱۷۲.

قزوه، علیرضا (بهمن و اسفند ۱۳۸۴). «عاشورا و انتظار در شعر شاعران تاجیکستان». *مجله موعود*. شماره ۶۱.

قویم، عبدالقیوم (۱۳۸۹). «شعر فارسی در افغانستان امروز». *سایت تبیان*: <http://www.tebyan.net>

کمیته علمی همایش (۱۳۸۳). *باغ بسیار درخت*. تهران: سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی و مرکز گسترش زبان و ادبیات فارسی.

محمودی، علیرضا (۱۳۸۳). *بررسی تلمیحات در شعر پنج شاعر معاصر*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه

بحث و نتیجه‌گیری

نقش فراگیر قرآن در شکل‌دهی فرهنگ عمومی فارسی‌زبانان، حضور پررنگ آن در آثار ادبی پیشینیان، زیبایی‌شناسی ادبی قرآن و متون مرتبط با آن مثل ترجمه‌ها و تفاسیر، و تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی سه دهه اخیر از عوامل مهم گرایش گروهی از شاعران معاصر خارج از مرزهای ایران به قرآن بوده است.

بررسی نمونه‌های شعر معاصر فارسی غیرایرانی نشان می‌دهد که این شاعران مرجع قرآنی بینامتن خود را به صورت صریح اعلام نمی‌کنند، اما قصد پنهان کردن مرجع قرآنی خود را نیز ندارند، چراکه سرقت از قرآن در شعر آنان جایی ندارد. بنابراین بینامتنیت صریح و پنهان در شعر آنان به چشم نمی‌خورد، اما بینامتنیت ضمنی را با اندکی تأمل می‌توان در شعر این شاعران ردیابی کرد. بینامتنیت ضمنی به شکل‌های گوناگونی از جمله واژگانی، تلمیحی، الهامی و ساختاری در شعر فارسی خارج از مرزهای ایران جلوه‌گر است. همچنین بررسی‌ها نشان می‌دهد که بعضی از این شاعران به مضامین و مفاهیم قرآنی توجه داشته‌اند، اما بعضی به فرم قرآن توجه بیشتری نشان داده‌اند و تلاش کرده‌اند تا از ساختار آیات و سوره‌های قرآنی استفاده کنند. داستان‌های قرآنی نیز از مضامینی است که مورد توجه بسیاری از این شاعران قرار گرفته است.

منابع

قرآن کریم

آلن، گراهام (۱۳۸۰). *بینامتنیت*. ترجمه پیام یزدان‌جو. تهران: نشر مرکز. چاپ اول.

آیین، حسین (۱۳۹۰). *تجلی قرآن کریم در اشعار شاعران دفاع مقدّس*. تهران: سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی.

بين المللى امام خمينى.

مكاريك، ايرنا ريما (۱۳۸۴). *دانشنامه نظريه‌هاى ادبى معاصر*. ترجمه مهراى مهاجر و محمد نبوى. تهران: آگه.

موسوى، سيده‌زهرا؛ ذوالفقارى، محسن (بهار ۱۳۹۲). «نقد و تحليل شيوه‌هاى تأثيرپذيرى از قرآن و حديث در شعر خاقانى». *فصلنامه پژوهش‌هاى ادبى-قرآنى*. سال اول، شماره ۱، صص ۳۲-۹.

نامور مطلق، بهمن (زمستان ۱۳۸۶). «ترامنتيت؛ مطالعه روابط يك متن با ديگر متن‌ها». *پژوهش‌نامه علوم انسانى (شناخت)*. شماره ۵۶، صص ۹۸-۸۳.

نامور مطلق، بهمن؛ كنگرانى، منيژه (بهار ۱۳۸۸). «از تحليل بينامتنى تا تحليل بيناگفتمانى». *پژوهشنامه فرهنگستان*

هنر. شماره ۱۲، صص ۹۴-۷۳.

ياحقى، محمدجعفر (۱۳۶۹). *فرهنگ اساطير و اشارات داستانى در ادبيات فارسى*. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقيقات فرهنگى و سرورش.

Bloom, Harold (1973). *The Anxiety of Influence. A theory of Poetry*. Oxford: Oxford University Press.

Cros, Edmond (2003). *Sociocritique*, L'Harmattan.

Neil, H. (1987). *Writings on Art and Literature by Sigmund Freud*. Foreword by Standford University press.